

پژوهش‌های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش

دوره ۱۰، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷

ص ص: ۷۱-۵۵

ارائه الگویی برای برنامه آموزش المپیک در ایران

حمیدرضا صفری جعفرلو^{۱*} - سید نصرالله سجادی^۲ - سیده فریده هادوی^۳ - امیرقنبرپور نصرتی^۴

۱. استادیار، گروه علوم ورزشی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه جهرم، جهرم، ایران. ۲. استاد، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. ۳. دانشیار، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران. ۴. استادیار، گروه

علوم ورزشی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۰۳، تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۰۲/۰۱)

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تدوین الگوی آموزش المپیک در ایران بود. این پژوهش از نوع مطالعات کیفی است که به روش نظریه بنیادی صورت گرفت. جامعه هدف پژوهش را کلیه نخبگان که به‌نحوی در آموزش و پژوهش در حیطه جنبش المپیک، نقش و سابقه روشنی داشتند، تشکیل می‌دادند. در این پژوهش، از دو روش نمونه‌گیری نظری و گلوله‌برفی استفاده شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل مصاحبه‌های نیمه‌سازمان‌یافته بود که محقق در قالب ۱۹ مصاحبه به اشباع نظری رسید. در تحلیل یافته‌های پژوهش از پنج مفهوم شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها، در قالب الگوی کدگذاری استراس و کوربن (۱۹۹۰) استفاده شد. به‌طور کلی نتایج این پژوهش، با مشخص کردن وضعیت آموزش المپیک در ایران و تدوین الگوی آموزش المپیک در ایران نشان داد، می‌توان آموزش المپیک را با توجه به شرایط مداخله‌گر و زمینه‌ای حاصل از این پژوهش، از طریق راهبردهای آموزشی و پژوهشی، فرهنگی و بومی، ورزش قهرمانی، تبلیغات و اطلاع‌رسانی در ایران توسعه داد.

واژه‌های کلیدی

آموزش المپیک، المپیزم، جنبش المپیک، الگو، نظریه بنیادی.

مقدمه

بارون پیر دوکوبرتن^۱، بازی‌های المپیک^۲ و المپیزم^۳ را یک مکتب کاملِ تعلیم و تربیت و سازنده رفتارهای شایسته انسانی دانسته است؛ مکتبی که با آن می‌توان اهداف گوناگون فرهنگی، تربیتی و اجتماعی را به جوانان منتقل کرد تا استقامت و قدرت ایستادن در برابر پستی و بلندی‌های ورزش و حتی زندگی امروز را به دست آورند. او بازی‌های المپیک را پایه‌ای برای ایجاد تغییرات اجتماعی می‌دانست و از این رو، نام المپیزم را بر این اندیشه فرهنگی نهاد. ورزش، وسیله‌ای برای تعلیم و پرورش جوانان به شمار می‌رود، زیرا در میادین ورزشی و مسابقات، تفاهم و دوستی بسیار نزدیکی میان کشورها مشاهده می‌شود. گرد آوردن ورزشکاران جوان از سراسر جهان در یک زمان و در محلی مشخص، در هر چهار سال یک بار، بزرگ‌ترین و بی‌ظنیرترین جشنواره ورزشی را پدید آورده که خاستگاه آن اصول و مبانی منشور المپیک است (۱).

کمیته بین‌المللی المپیک (۲۰۱۱) عبارات گسترده‌ای مثل «صلح»، «توسعه»، «کرامت»، «درک متقابل»، «بازی منصفانه»، «همبستگی»، «تلاش»، و «اصول اخلاقی» را از ویژگی‌های تحت حیطه اصول بنیادی المپیزم می‌داند. های^۴ (۲۰۰۲) المپیزم را با فرمول زیر تعریف می‌کند (۲،۳):

المپیزم = ورزش + فرهنگ + آموزش

در واقع هدف المپیزم از ترکیب ورزش، فرهنگ و آموزش، خلق یک سبک زندگی است که بر پایه احترام به ارزش‌های انسانی، اصول اخلاقی پایه، لذت بردن از تلاش، شرکت در فعالیت‌های ورزشی و نقش تربیتی الگوهای

انسانی استوار شده است (۴). در اساسنامه کمیته بین‌المللی المپیک، به پرورش و تقویت ویژگی‌های «بدنی» و «اخلاقی» که مبنای ورزش هستند، تأکید و توجه بسیار شده است (۵). در این منشور، یازده مرتبه کلمه «آموزش» همراه با کلماتی مانند جوانان، فرهنگ، ورزش و المپیک تکرار شده که شش مرتبه از آن با المپیک و در قالب مفهوم «آموزش المپیک» همراه بوده است (۶). آموزش المپیک عنوان برنامه آموزشی است که هدف آن انتقال نگرش‌ها و دانش اساسی المپیزم، از طریق آموزش تاریخچه، آرمان‌ها و تشکیلات بازی‌های المپیک است که قسمت مهمی از جنبش المپیک رهبری‌شده، توسط کمیته بین‌المللی المپیک را تشکیل می‌دهد (۷). از آنجا که بیشتر مؤسسان بازی‌های المپیک نوین و کمیته بین‌المللی المپیک، از متخصصان و صاحب‌نظران فرایند تعلیم و تربیت‌اند و از برجستگان زمان خود در این حیطه علمی بوده‌اند، همواره به اصل آموزش و پرورش که از جمله اصول اساسی است، توجه داشته‌اند (۵). برنامه آموزش المپیک هسته مرکزی جنبش المپیک^۵ است که ارزش‌هایی مانند فضیلت، دوستی و احترام را در بین مردم جهان خصوصاً جوانان بسط می‌دهد. این برنامه ماهیتی بین‌المللی و بین‌فرهنگی دارد که توجهات به آن طی دو دهه اخیر همراه با جهانی شدن بیشتر شده است (۸).

مطالعات انجام‌گرفته در حیطه اهمیت و ضرورت آموزش المپیک نشان می‌دهند که اگر در کشوری، اجرای برنامه آموزش المپیک به‌درستی و با محتوای مناسب بومی‌سازی شده و به مرحله اجرا گذاشته شود، ارزش‌های بسیاری را در پی خواهد داشت که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: بالا بردن آگاهی افراد و تغییر نگرش آنها در زمینه ورزش، تربیت بدنی و به‌خصوص ورزش‌های رقابتی

1. Baron de Coubertin
2. Olympic games
3. Olympism
4. Hai

5. Olympic movement

در مجموع باید گفت، تحقیقات متعددی در مورد تدوین و اجرای برنامه آموزش المپیک در کشورهای مختلف صورت گرفته است که از جمله آنها می‌توان به جورجیادیس^۱ (۲۰۰۹) اشاره کرد که به بررسی مشکلات (عوامل بازدارنده) در اجرای برنامه‌های آموزش المپیک در یونان پرداخت و راهکارهای پیشنهادی برای آن را بیان کرد که از آن جمله می‌توان به ساخت مدارس المپیک، افزایش کتاب‌های مرتبط و برگزاری دوره‌های آموزشی اشاره کرد. همچنین تاواریس و کنجیک^۲ (۲۰۱۲) در برزیل به تجزیه و تحلیل برنامه آموزش المپیک ۲۰۱۶ در ریودوژانیرو پرداختند و رویه‌های فنی آن را برای ورزشکاران و قهرمانان مثبت دانستند، هرچند رویه‌های سازمانی و فقدان یک طرح روشن آموزشی، کاربرد این برنامه را برای مرزها و جامعه‌های وسیع‌تر با مشکل روبه‌رو می‌سازد و از خصوصیات یک برنامه آموزش المپیک جامع برخوردار نیست، وانگ و ماسوموتو^۳ (۲۰۰۹) در چین، شرایط برقراری الگوی آموزش المپیک در مدارس شهر پکن و نتایج حاصل از آن را بررسی کردند. نتایج این تحقیق نشان داد که در مدل مدرسه آموزش المپیک می‌توان از کتابچه دستی المپیک، فعالیت‌های فوق برنامه شامل رشته‌های ورزشی مرسوم در بازی‌های المپیک، جشنواره‌های نمادین و کوچک المپیک، برگزاری رویدادهای ورزشی محلی، تأسیسات نمادین که نشان‌دهنده بازی‌های المپیک باشد، برای تسهیل در اجرای برنامه آموزش المپیک استفاده کرد. مونین^۴ (۲۰۱۲) در فرانسه برخی از مهم‌ترین راهبردهای فرانسه برای ادغام این مفهوم با نظام آموزشی را بیان می‌کند که

قهرمانی (۱۱،۱۰،۹)، پرورش خلاقیت و استقلال‌طلبی جوانان در اجرای برنامه‌های ورزشی (۱۲)، احترام به حقوق دیگران و قانون‌پذیری در جمعیت جوان کشور (۱۳)، افزایش درک بین‌المللی (۱،۱۳) و فرهنگ‌پذیری در جمعیت جوان کشور (۱۴،۱)، انتشار ارزش ورزش به‌عنوان وسیله‌ای مناسب و گرانبها برای ارتقای سلامتی، تعالی ذهنی و عقلی، کمک به درک بهتر دروس و جنبه‌های دیگر برنامه‌های آموزشی (۱،۹)، افزایش مشارکت جوانان در بازی‌ها و ورزش نسبت به پیروزی صرف (۱۵)، وسیله‌ای برای پرورش ارزش‌های اجتماعی اساسی در کودکان و جوانان (۱)، افزایش حس مسئولیت‌پذیری و داوطلبی برای کودکان و جوانان از طریق داوطلبی فعالیت‌های ورزشی مدرسه مانند بازی‌های المپیک مدرسه‌ای، ناحیه‌ای، منطقه‌ای و رقابت‌های ورزشی بزرگ (۱۳،۱۶)، ارتقای همکاری و هماهنگی مابین مؤسسات آموزشی، فرهنگی و ورزشی (۱۳)، همچنین ارتقای اخلاق، بازی جوانمردانه و نظم ورزشی در فعالیت‌های حرفه‌ای (۱۱،۱۷)، ایجاد فرصت‌های مساوی برای هر جنس و نژاد از جوانان برای تجربه ارزش‌های ورزشی (۱۸). آموزش المپیک فرایندی آموزشی است که هدف آن شکل دادن یا اصلاح رفتار افراد جوان مطابق با ارزش‌های اساسی المپیزم با توجه به عنصرهای فرهنگی معاصر و ملیت‌های مختلف است. رشد مثبت در رفتارها و اخلاقیات افراد جامعه از ویژگی‌های مشترک کلیه نظام‌های آموزشی در کشورهای مختلف است که در آموزش المپیک کاملاً عینیت می‌یابد (۱۲،۱۹). آموزش المپیک پایه‌ای از تاریخ المپیک است و برای جوانان دانش و تجربه‌ای از گذشته تاکنون را تأمین می‌کند و روشی متمایز برای توسعه المپیزم در جهان است که به‌راحتی می‌تواند احساسات و رفتارهای دانش‌آموزان جوان را تحت تأثیر قرار دهد (۲۰).

1. Georgiadis
2. Knijnik and tavares
3. Wang and Masumoto
4. Monnin

این برنامه پرداخته‌اند. این در حالی است که اگر اهمیت و ضرورت اجرای چنین برنامه‌ای در ایران درک شود، سازمان‌های ورزشی از جمله کمیته ملی المپیک، وزارت ورزش، فدراسیون‌ها و حتی سازمان‌های تربیتی مانند وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم می‌توانند بسیاری از اهداف تربیتی، اخلاقی و آموزشی خود را در قالب این برنامه در بین مخاطبان خود پیاده کنند. با توجه به مطالب مذکور، هدف از این پژوهش، ارائه الگویی جامع برای آموزش المپیک در ایران است.

روش‌شناسی

روش پژوهش در این تحقیق، از نوع کیفی بود. نظر به ماهیت اکتشافی موضوع، الگوی این پژوهش با استفاده از نظریه بنیادی به‌عنوان روشی نسبتاً جدید در تحقیقات مدیریت ورزشی در ایران، ارائه شد.

جامعه هدف این پژوهش کلیه نخبگان که به‌نحوی در آموزش و پژوهش در حیطه جنبش المپیک، نقش و سابقه روشنی داشتند، بودند. این صاحب‌نظران در حیطه جنبش و آموزش المپیک از سه حیطه علمی، اجرایی و ورزشی مدنظر بودند. این افراد شامل مدیران و متخصصان اجرایی، قهرمانان و مربیان شرکت‌کننده در المپیک، و صاحب‌نظران و اعضای هیأت علمی بودند. در این پژوهش، از دو روش نمونه‌گیری نظری و گلوله‌برفی استفاده شد. در روش نمونه‌گیری نظری، تعداد نمونه خاصی از قبل تعیین نمی‌شود و تا زمانی‌که الگو به مرحله ساخت و اشباع نرسیده است، نمونه‌گیری ادامه پیدا می‌کند. همچنین روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی، بدین‌صورت بود که چنانچه شرکت‌کنندگان افراد دیگری را می‌شناختند که در زمینه مورد بررسی تجربیات و دیدگاه‌هایی داشتند، برای شرکت در مطالعه معرفی می‌کردند. نمونه‌گیری تا جایی ادامه یافت که محققان به این نتیجه رسیدند که اطلاعات

در دو بخش اصلی خلاصه می‌شوند که عبارت‌اند از تحقیقات علمی توسط دانشگاهیان و افراد آکادمیک و همچنین ساعات ورزش در مدارس و دانشگاه‌ها. این راهبردها با همکاری انجمن تربیت بدنی و ورزش در مدارس و دانشگاه‌ها و به کمک منابع و کتاب‌هایی که آکادمی ملی المپیک چاپ کرده بود، به اجرا درآمد. بیندر^۱ (۲۰۰۴، ۲۰۰۷، ۲۰۱۲) در سطح بین‌المللی با بررسی طرح‌های بزرگ آموزش المپیک که تاکنون به اجرا درآمده بود، نحوه ایجاد یک طرح کاربردی آموزش المپیک و نحوه تبدیل چارچوب تئوریک این طرح به چارچوب عملیاتی را تشریح کرده است. در واقع با بررسی طرح‌های بزرگ آموزشی ارزش‌های المپیک، طرحی با نام «برنامه آموزش ارزش‌های المپیک» ایجاد شد که هم‌اکنون در سایت کمیته بین‌المللی المپیک قابل دسترسی است (۲۷-۲۱). همچنین در داخل کشور، نتایج پژوهش غفوری و همکاران (۱۳۸۷) نشان داد ۶۰/۱ درصد دانشجویان به تأثیر آموزش المپیک بر حس انسان‌دوستی، همبستگی، و تفکر صلح‌آمیز معتقدند و زمینه تربیتی و اخلاقی آن را پذیرفته‌اند و بیش از نیمی از آزمودنی‌ها (۵۲/۸ درصد) اعتقاد داشتند آموزش المپیک بر نگرش دانشجویان و دانشگاهیان نسبت به زندگی تأثیر مثبت دارد. در کل به اعتقاد دانشجویان، اجرای برنامه آموزش المپیک می‌تواند اطلاعات و نگرش مثبت دانشجویان را در مورد المپیک و اصول آن افزایش دهد (۲). البته حمیدی و خسرومنش (۱۳۸۷) نیز به برخی از مشکلات در طراحی برنامه آموزش المپیک برای مدارس و مراکز آموزشی اشاره کردند (۲۰). غالب این تحقیقات با تحلیل برنامه‌های آموزش المپیک اجراشده در کشورهای مختلف یا در سطح بین‌الملل، به فواید، مشکلات و راهبردهای نو در اجرای

- شرایط زمینه‌ای: در این پژوهش مواردی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای در نظر گرفته شد که به‌صورت ویژه می‌توانست بر راهبردهای آموزش المپیک تأثیر بگذارد.
- شرایط مداخله‌گر: در این پژوهش مواردی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای در نظر گرفته شد که به‌صورت عمومی می‌توانست بر راهبردهای آموزش المپیک تأثیر بگذارد.
- راهبردها: در این پژوهش مواردی به‌عنوان راهبردها کدگذاری شد که با در پیش گرفتن آنها بتوان آموزش المپیک در ایران را به اجرا درآورد.
- پیامدها: در این پژوهش مواردی به‌عنوان پیامدها در نظر گرفته شد که از اجرای راهبردهای آموزش المپیک منتج می‌شود.

جدید، همان تکرار اطلاعات قبلی است و دیگر اطلاعات مفهومی جدیدی که نیاز به کد جدید یا گسترش کدهای موجود داشته باشد، به‌دست نمی‌داد.

جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش به‌صورت کتابخانه‌ای و نیز استفاده از مصاحبه بود. در پژوهش حاضر از نظرهای ۱۸ نفر از افراد، در قالب ۱۹ مصاحبه استفاده شد و زمانی که موضوع به حد اشباع نظری رسید، فرایند جمع‌آوری یافته‌ها پایان یافت. شایان ذکر است هرچند محقق راهنمای اولیه‌ای برای مصاحبه‌ها داشت، برای دسترسی به اطلاعات عمیق‌تر مصاحبه‌ها به‌صورت نیمه‌سازمان‌یافته^۱ انجام گرفت. در این پژوهش، پژوهشگر به‌منظور ثبت اطلاعات، علاوه بر یادداشت رئوس مطالب، با کسب اجازه از فرد مصاحبه‌شونده به ضبط مصاحبه اقدام کرد.

پیتنی و پارکر^۲ (۲۰۰۹) روش‌هایی را برای افزایش روایی پژوهش کیفی پیشنهاد کردند که در این پژوهش سعی شد تمامی این موارد رعایت شود. جدول ۱ این روش‌ها را به‌همراه توضیح آن در پژوهش حاضر بیان می‌کند (۲۸).

با توجه به استفاده از روش گردند تئوری و تأکید غالب مطالعات، روی الگوی کدگذاری پارادایمی، برای تحلیل داده‌های حاصل از گردند تئوری، این پژوهش نیز از این الگو در قالب فرایند کدگذاری سیستماتیک استفاده کرد. این الگو شامل پنج بخش شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهاست (۲۹،۳۰).

- شرایط علی: شرایط علی در این پژوهش شامل مفاهیمی بود که از نشانه‌های کدگذاری شده در مورد نیاز و ضرورتی که برای آموزش المپیک در ایران وجود دارد، به‌دست آمد.

جدول ۱. روش‌های افزایش مقبولیت پژوهش

| روش‌های بیان‌شده توسط پیتنی و پارکر (۲۰۰۹) | نحوه اجرا در پژوهش حاضر |
|--|---|
| منابع داده متعدد | انتخاب افراد نمونه از اقشار مختلف درگیر در آموزش المپیک (با تأیید گروه تحقیق) و استفاده از منابع مکتوب و معتبر |
| تحلیل‌گران متعدد | مشارکت همکاران پژوهش و افراد باتجربه در پژوهش کیفی (با توجه به پیشینه پژوهش آنها) در روند انجام مصاحبه‌ها و تحلیل داده‌ها |
| روش‌های متعدد | استفاده از روش‌های مصاحبه، کتابخانه و جست‌وجو در اینترنت در طول پژوهش برای جمع‌آوری حداکثر داده‌ها |

| یافته‌ها | یافته‌های حاصل از کدگذاری باز در مورد شرایط |
|---|--|
| در این بخش، یافته‌های حاصل از کدگذاری داده‌ها، در قالب پنج بخش به ترتیب زیر ارائه می‌شود: شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها. | زمینه‌ای آموزش المپیک در ایران در کدگذاری داده‌ها، مواردی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای در نظر گرفته شد که به‌صورت تخصصی می‌توانست بر راهبردهای آموزش المپیک تأثیر بگذارد. در جدول ۲ نتایج حاصل از کدگذاری باز در مورد شرایط زمینه‌ای آموزش المپیک در ایران بیان شده است. |

جدول ۲. یافته‌های حاصل از کدگذاری در مورد شرایط زمینه‌ای

| | |
|--------------|---|
| درون‌سازمانی | ۱. برنامه‌های آکادمی، ۲. اساسنامه آکادمی، ۳. ساختار متمرکز آکادمی، ۴. امکانات آکادمی، ۵. ارتباط آکادمی با مراکز آموزشی، ۶. نامشخص بودن متولی (نبود جایگاه مشخص برای تصمیمات استراتژیک)، ۷. نگرش و فلسفه شخصی مدیران آکادمی، ۸. نیروی انسانی (متخصص و داوطلب) آکادمی |
| برون‌سازمانی | ۱. مقاومت اداری، ۲. فدراسیون‌های مناسب (زورخانه‌ای، بومی محلی، همگانی و دانشجویی)، ۳. آکادمی‌های ورزش، ۴. منابع و رویه‌های آموزشی کشورهای دیگر و IOC، ۵. زیرمجموعه‌های فرهنگی در ورزش، ۶. المپیادهای ورزشی، ۷. تربیت بدنی در دانشگاه‌ها و مدارس، ۸. دانش‌آموختگان و تحصیلات تکمیلی تربیت بدنی، ۹. دانشکده‌ها و هنرستان‌های تربیت بدنی |

| | |
|---|--|
| همان‌طور که مشاهده می‌شود یافته‌های حاصل از شرایط زمینه‌ای در مورد آموزش المپیک در ایران، در قالب دو مقوله درون‌سازمانی و برون‌سازمانی کدگذاری شده است. | یافته‌های حاصل از کدگذاری باز در مورد شرایط مداخله‌گر آموزش المپیک در ایران در کدگذاری داده‌ها، مواردی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای در نظر گرفته شد که به‌صورت عمومی می‌توانست بر روش‌های اجرای آموزش المپیک تأثیر بگذارد. |
|---|--|

در جدول ۳ نتایج حاصل از کدگذاری باز در مورد شرایط مداخله‌گر آموزش المپیک در ایران بیان شده است.

جدول ۳. یافته‌های حاصل از کدگذاری در مورد شرایط مداخله‌گر

| | |
|-------------------------|---|
| عوامل اقتصادی و مدیریتی | ۱. بودجه و تسهیلات دولتی، ۲. وضعیت معیشتی، ۳. برنامه کلان فرهنگی، ۴. قوانین و مقررات، ۵. تخصص مدیران |
| عوامل فرهنگی و اجتماعی | ۱. جمعیت جوان، ۲. نگرش به ورزش، ۳. فرهنگ اسلامی، ۴. تمدن غنی و فرهنگ پهلوانی، ۵. جذابیت ورزش و المپیک |

یافته‌های حاصل از کدگذاری باز در مورد راهبردهای آموزش المپیک در ایران در کدگذاری داده‌ها، مواردی به‌عنوان راهبردها کدگذاری شد که با در پیش گرفتن آنها بتوان آموزش المپیک در ایران را به اجرا درآورد. نتایج حاصل از کدگذاری باز مقوله‌های کلی در راهبردهای آموزش المپیک در جدول ۴ آمده است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود یافته‌های حاصل از شرایط مداخله‌گر در مورد آموزش المپیک در ایران، در قالب نه مفهوم کدگذاری شده است که در قالب دو مقوله «عوامل اقتصادی و مدیریتی» (۴ مفهوم)، و «عوامل فرهنگی و اجتماعی» (۵ مفهوم) دسته‌بندی شدند.

جدول ۴. یافته‌های حاصل از کدگذاری در مورد راهبردهای آموزش المپیک

| | |
|------------------------------|---|
| راهبرد آموزشی و پژوهشی | ۱. موزه و مرکز مطالعه المپیک، ۲. همایش‌ها و سمینارهای المپیک، ۳. درس تربیت بدنی مدارس، ۴. دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی، ۵. مدارس آموزش المپیک، ۶. ادغام با دروس دیگر (هنر، ادبیات و تاریخ)، ۷. استفاده از اردوهای تربیتی، ۸. فوق‌برنامه و مسابقات نمادین المپیک در مدارس، ۹. دوره‌های ضمن خدمت برای معلمان ورزش، ۱۰. آموزش در المپیادهای ورزشی دانش‌آموزان |
| راهبرد ورزش قهرمانی | ۱. آموزش ورزشکاران المپیک، ۲. آموزش در اردوهای تدارکاتی، ۳. آموزش در فدراسیون‌های ورزشی، ۴. آموزش در میزبانی رویدادهای ورزشی، ۵. جشن و جوایز برای قهرمانان منتخب از نظر ورزشی و اخلاقی |
| راهبرد مدیریتی | ۱. اختصاص بودجه، ۲. تعیین سیاست کلان، ۳. توسعه منابع انسانی، ۴. ایجاد کمیته آموزش المپیک، ۵. افزایش ارتباط با آکادمی ملی المپیک، ۶. توسعه موزه و نمایشگاه المپیک، ۷. ایجاد بسته‌های ترویجی، ۸. نشست‌های ملی سالیانه، ۹. برنامه ویژه برای مدیران مدارس، ۱۰. مراکز سیار برای مناطق محروم |
| راهبرد بومی و فرهنگی | استفاده از شخصیت‌های ملی و مذهبی، ۲. توسعه فرهنگ پهلوانی و باستانی، ۳. همکاری با مراکز فرهنگی حوزه‌های مشترک فرهنگی با نهادهای دیگر، ۴. مسابقات و رویدادهای فرهنگی |
| راهبرد تبلیغات و اطلاع‌رسانی | ۱. نرم‌افزارها و بازی‌های رایانه‌ای، ۲. فیلم‌های آموزشی، ۳. روزنامه یا مجله المپیک، ۴. وب‌سایت تخصصی، ۵. کتابخانه الکترونیکی، ۶. انتشارات و چاپ کتاب |

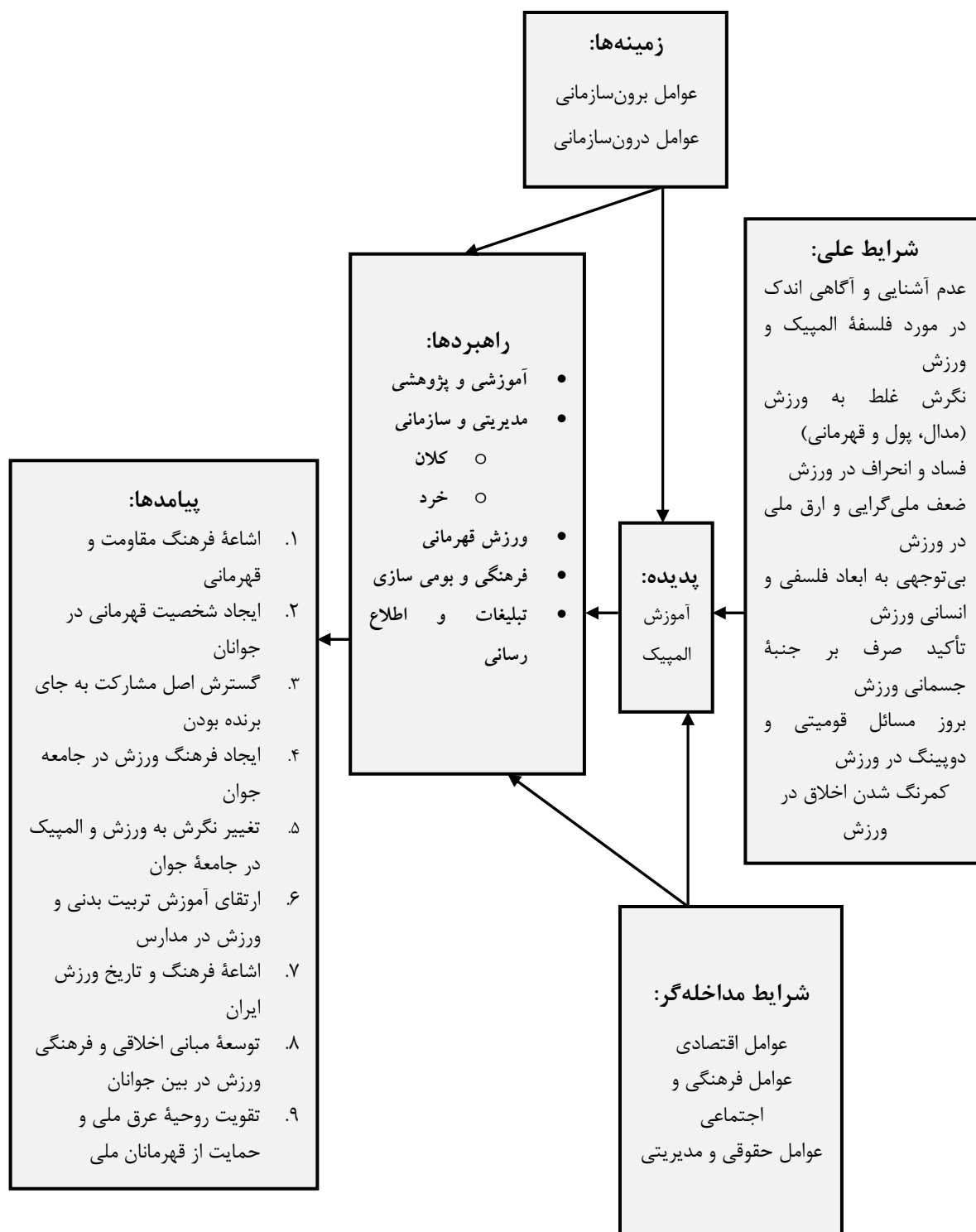
نیز به‌دست آمد که می‌توان آنها را به‌نوعی راهکارهای اجرایی این راهبردها دانست.

همان‌طور که مشاهده می‌شود شش راهبرد کلی از کدگذاری داده‌ها به‌دست آمد که در هر راهبرد مقوله‌هایی

الگوی آموزش المپیک در ایران

۱). البته با توجه به نبود فضای کافی، در این الگو تنها به مفاهیم کلی در هر مقوله بسنده شده و از ذکر مفاهیم جزئی الگو صرف نظر شده است.

در انتها با جایگذاری یافته‌های حاصل از هر مقوله، الگوی کلی آموزش المپیک در ایران به دست آمد (شکل



شکل ۱. الگوی آموزش المپیک در ایران

بحث و نتیجه‌گیری

در تدوین الگوی آموزش المپیک در ایران سه مقوله اصلی شامل شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر و راهبردها وجود دارد که در ادامه با توجه به حجم بالای مطالب تنها به بحث در مورد هر یک از مقوله‌ها و مفاهیم، به صورت کلی، پرداخته می‌شود. براساس جدول ۲ شرایط زمینه‌ای در این پژوهش در قالب دو بخش درون‌سازمانی و برون‌سازمانی ارائه شده است. موارد درون‌سازمانی به ویژگی‌های خاص در محیط درون‌سازمانی آکادمی ملی المپیک و برنامه آموزش المپیک اشاره داشت. مفاهیمی مانند «برنامه‌های کنونی»، که به برنامه‌های در حال اجرا اشاره داشت. هم‌جهت نبودن این برنامه‌ها با آموزش المپیک، مهم‌ترین تأکید متخصصان بود. «اساسنامه آکادمی» مفهوم بعدی در این بخش بود. منشور المپیک (۲۰۰۴) در قوانین خود، آموزش المپیک را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مواردی که باید در اساسنامه کمیته ملی المپیک و به‌تبع آن در اساسنامه آکادمی مورد تأکید قرار گیرد، بیان کرده است (۱۰). «ساختار نامناسب» و «تمرکز آکادمی ملی المپیک» نیز موارد درون‌سازمانی بود که محدود بودن فعالیت‌های آموزشی در آکادمی و تمرکز آن در شهر تهران، با وجود گستردگی جغرافیایی ایران، از تأکیدات متخصصان بود. «ارتباطات» آکادمی ملی المپیک با نهادهای دیگر از دیگر مفاهیمی بود که در یافته‌های پژوهش در شرایط زمینه‌ای به‌دست آمد. همسو با این یافته، گراماتیکوپولوس^۱ و همکاران (۲۰۰۴) نیز ارتباطات را به‌عنوان عاملی مهم برای توسعه آموزش المپیک در یونان دانسته بودند (۱۳). «نبود متولی ثابت» برای برنامه آموزش المپیک نیز از دیگر شرایطی بود که از کدگذاری داده‌های تحقیق، به‌دست آمد. نبود یک متولی برای این

برنامه در ایران اجازه برنامه مستمر و استراتژیک را از این برنامه گرفته است. جورجیادیس (۲۰۰۹) نیز هم‌جهت با این یافته تحقیق، متولی اصلی برنامه‌های آموزش المپیک در هر کشور را کمیته ملی المپیک و به‌تبع آن آکادمی ملی المپیک می‌داند، چیزی که در منشور المپیک (۲۰۰۴) اشاره شده و کمیته‌ها را به تشکیل آکادمی‌ها و مراکز آموزشی برای توسعه آموزش المپیک موظف کرده است (۶،۲۴). «فلسفه شخصی مدیران» از دیگر یافته‌های پژوهش در مورد شرایط خاصی بود که بر اجرای راهبردها اثرگذار است. مصاحبه‌شونده‌ها با بیان جملاتی مانند «هر مدیری که به آکادمی آمده راه خود را رفته»، «این برنامه بستگی به مدیریت آکادمی دارد» یا «در موقع مدیریت آقای فلان برنامه‌ها بهتر اجرا می‌شد» به‌نوعی به این مطلب اشاره داشتند. مصاحبه‌شونده‌ها اعتقاد داشتند که نگرش مدیران در هر دوره از مدیریت آکادمی عامل سیر نزولی یا صعودی برنامه‌های آموزش المپیک در آکادمی بوده است. گراماتیکوپولوس و همکاران (۲۰۰۴) و جورجیادیس (۲۰۰۹) نیز به نگرش مدیران و به‌تبع آن، انگیزه آنها در برنامه آموزش المپیک در یونان اشاره داشتند (۱۳،۲۴). «نیروی انسانی» از دیگر مواردی بود که نشانه‌هایی از آن در کدگذاری به‌دست آمد. در این بخش مصاحبه‌شونده‌ها با عباراتی مانند «ما آدم باتجربه در این زمینه کم داریم»، «یکی از مهم‌ترین عوامل آموزش‌دهنده خوب است» یا «باید افرادی را برای آموزش تربیت کنیم»، به نقش نیروی انسانی در پیشبرد راهبردها اشاره داشتند. گراماتیکوپولوس و همکاران (۲۰۰۴)، جورجیادیس (۲۰۰۹) و مجسکین^۲ و همکاران (۲۰۱۱) نیز همسو با این یافته به این موضوع در زمینه آموزش

1. Grammatikopoulos

2. Majauskiene

المپیک اشاره داشتند. همچنان‌که پری^۱ (۲۰۰۶) یکی از مهم‌ترین عوامل در آموزش المپیک را معلمان ورزش و تربیت بدنی مدارس می‌داند (۹،۱۲،۱۳).

در این بخش به تبیین مهم‌ترین یافته‌های حاصل در مورد عوامل برون‌سازمانی که از کدگذاری داده‌ها به دست آمد، اشاره می‌شود. اولین مفهوم، «مقاومت اداری» بود. مصاحبه‌شوندگان با عبارات مختلف به نوعی به این مسئله اشاره داشتند که وجود مقاومت از طرف نهادها و افراد مختلف از عواملی است که بر اجرای برنامه آموزش المپیک تأثیر دارد. وجود «فدراسیون‌های مرتبط و مناسب» از دیگر یافته‌ها بود. دو فدراسیون ورزش زورخانه‌ای که ارزش‌های پهلوانی را در سطح جامعه و ورزش اشاعه می‌دهد، و فدراسیون ورزش همگانی، با هدف مشارکت بیشتر مردم در ورزش و اشاعه فرهنگ و فلسفه ورزش، از فدراسیون‌هایی است که می‌توان اهداف آن را نزدیک به اهداف آموزش المپیک دانست. «آکادمی-های ورزش» با هدف آموزش علمی و فرهنگی ورزش، با هماهنگی آکادمی ملی المپیک می‌توانند بخشی از این آموزش را به آموزش اصول المپیک و فلسفه آن اختصاص دهند. آکادمی ملی المپیک می‌تواند با نزدیک شدن به این آکادمی‌ها اهداف خود را در قالب هر رشته ورزشی، در بین جوانان ورزشکار اشاعه دهد. «منابع و رویه‌های آموزش» از دیگر شرایط زمینه‌ای برون‌سازمانی بود. بیندر (۲۰۱۲) در پژوهش خود اشاره می‌کند که وجود منابع آموزش المپیک در مدارس کمک شایانی به پیشرفت این آموزش در مدارس می‌کند (۲۳). یکی از معتبرترین منابع آموزشی در سطح دنیا برای آموزش المپیک، کتاب در زندگی قهرمان باش نوشته بیندر (۲۰۰۰) است که در حال حاضر کشورهای مختلف مانند چین، کره جنوبی،

کانادا، یونان، استرالیا، لهستان، تانزانیا و زیمبابوه در حال تدریس و اجرای آن هستند (۲۱). آکادمی ملی المپیک می‌تواند با ترجمه این منبع و بومی کردن مفاهیم آن توسط متخصصان، منبعی غنی برای معلمان ورزش ایجاد کند. «المپیادهای ورزشی» که در کشور برگزار می‌شود، از مهم‌ترین مصادیق یک المپیک کوچک است که فرهنگ المپیزم را در بین اقشار مختلف جامعه زنده می‌کند. نحوه برگزاری این مسابقات، زمان‌بندی و نحوه شرکت تیم‌ها از جمله مواردی است که می‌توان با آمیختن اصول و ارزش‌های المپیک در آنها، فرهنگ و فلسفه المپیک را در بین افراد جامعه بسط داد. همچنین وجود «درس عمومی تربیت بدنی» در مدارس و دانشگاه‌ها از کانونی‌ترین مراکزی است که آموزش المپیک در کشورهای دیگر بر آن تأکید داشته‌اند. چاتزیفستاتیو^۲ (۲۰۱۲)، پاولکی^۳ (۲۰۰۶)، نول^۴ (۲۰۰۸) و بیندر (۲۰۰۷) در پژوهش خود به این موضوع اشاره دارند (۱،۱۵،۱۷،۲۲). با توجه به اینکه اهداف آموزش المپیک تا حدود زیادی با اهداف درس تربیت بدنی همپوشانی دارد، می‌توان سرفصل‌هایی از محتوای کلی آموزش المپیک را در قالب سرفصل‌های درس تربیت بدنی در مدارس، تدریس کرد. این کار علاوه بر اینکه افزایش جذابیت درس تربیت بدنی، موجب می‌شود کودکان درک عمیقی از اصول ورزش با رویکرد المپیک پیدا کنند. همچنین «دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی» در رشته تربیت بدنی از عوامل برون‌سازمانی زمینه‌ای است که خصوصاً در سال‌های اخیر شمار آنها صعودی بوده است. این افراد با توجه به اینکه تحصیلات خود را در رشته تربیت بدنی گذرانده‌اند، آماده‌ترین و مناسب‌ترین منابع انسانی برای آموزش و پژوهش در

2. Chat ziefstathiou

3. pawlucki

4. Naul

1. Parry

مجبور می‌کند تا به رفع نیازهای اولیه خود بسنده کنند و تمایلی برای شرکت در برنامه به ظاهر مجلل و لوکس آموزش المپیک نداشته باشند. شایان ذکر است که کمیته بین‌المللی المپیک اجرای برنامه آموزش المپیک را به‌خصوص برای کشورهای در حال توسعه و فقیر توصیه می‌کند، زیرا اعتقاد دارد که المپیزم نوعی فلسفه زندگی است و ارزش‌هایی که در برنامه آموزش المپیک به جوانان آموزش داده می‌شود، در واقع همان ارزش‌های تربیتی در زندگی است، که از طریق ورزش و المپیک در بین آنها توسعه می‌یابد. عوامل مدیریتی و حقوقی دیگر مفهوم کلی در شرایط عمومی است که در این پژوهش به‌دست آمد و شامل مفاهیم فقدان برنامه کلان فرهنگی در ورزش، عدم ثبات مدیریتی، قوانین و مقررات، سیاست‌زدگی ورزش و مدیران غیرمتخصص است. یافته‌های این بخش با یافته‌های هسندرا و همکاران (۲۰۰۷)، نول (۲۰۰۸) و بیندر (۲۰۱۲) همسویی داشت (۸،۱۷،۲۳). در تبیین کلی عوامل مدیریتی و حقوقی باید گفت وجود نگرش‌ها و برنامه‌های شخصی مدیرانی که پایدار نیستند، به‌خصوص در مورد آموزش المپیک، شرایط برای برنامه‌ریزی درازمدت و اجرای آن را مشکل می‌کند. همچنین مدیران سیاسی از ورزش استفاده ابزاری کوتاه‌مدت یا بلندمدت دارند که این امر نگاه دلسوزانه و تخصصی را از ورزش ایران سلب کرده است. آموزش المپیک به‌عنوان برنامه‌ای که نیاز به نگرش تخصصی بالایی دارد، بی‌شک در وضعیت حاضر به‌سختی می‌تواند جای واقعی خود را به‌عنوان یک برنامه فرهنگی- ورزشی سالم پیدا کند. ناآشنایی مدیران غیرمتخصص با مفاهیمی مانند المپیزم و آموزش المپیک سبب شده که آموزش المپیک از متولی اصلی خود یعنی کمیته ملی المپیک و به‌تبع آن آکادمی ملی المپیک نیز دور بیفتد. برنامه آموزش المپیک گرفته‌شده از المپیزم است که در محتوای خود دارای زمینه‌های فرهنگی است.

زمینه مطالعات المپیک هستند. همچنین «دانشکده‌ها و هنرستان‌های تربیت بدنی» با داشتن منابع مادی اولیه می‌توانند مراکز مناسبی برای اجرای برنامه‌های آموزش المپیک باشند. همسو با این یافته پژوهش، هسندرا^۱ و همکاران (۲۰۰۷) و گراماتی‌کوپولوس و همکاران (۲۰۰۴) نیز امکانات موجود در مدارس ورزش را برای اجرای برنامه آموزش المپیک مناسب می‌دانند (۸،۱۳).

در یافته‌های مربوط به شرایط مداخله‌گر، مقوله‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، حقوقی و مدیریتی به‌دست آمد که در جدول ۳ مشاهده می‌شود. جورجیادیس (۲۰۰۹)، پرینگل^۲ (۲۰۱۲) و گوانگ^۳ (۲۰۰۸) همسو با این یافته‌ها مواردی مانند بودجه، وضعیت اقتصادی و تسهیلات را مواردی مهم در اجرای برنامه‌های آموزش المپیک می‌دانند (۱۹،۱۹،۲۴).

حمایت مالی کمیته ملی المپیک، وزارت ورزش یا مؤسسات دیگر، و همچنین فعالیت‌های بازاریابی با توجه به پایگاه اجتماعی کمیته ملی المپیک در بین مردم، می‌تواند حامیان مالی متعددی برای این برنامه در نهادهای مختلف پیدا کند. حمایت دولت و تسهیلات آن نقش مهمی در توسعه آموزش المپیک در بسیاری از کشورها داشته است. باید توجه داشت چون بدنه دولتی در ایران، به‌خصوص در ورزش، بسیار گسترده‌تر از بخش خصوصی است، در تدوین برنامه‌های آموزش المپیک توجه خاصی را باید به این موضوع داشت. تسهیلات دولتی در قالب اماکن و تجهیزات ورزشی در نهادهای دولتی وجود دارد که آکادمی ملی المپیک با رایزنی با نهادهای مربوط می‌تواند آنها را برای برنامه آموزش المپیک به خدمت گیرد. گرانی، تورم و کاهش سطح درآمد، اغلب مردم را

1. Hassandra
2. Pringle
3. Guang

گواه این امر را می‌توان در چارچوب ساختاری کمیته بین‌المللی المپیک نیز مشاهده کرد؛ آنجا که کمیسیون آموزش المپیک را با کمیسیون فرهنگ درمی‌آمیزد و این نشان از ارتباط نزدیک این دو مفهوم نسبت به یکدیگر دارد. برنامه‌های فرهنگی ورزش در هر کشور به‌ترتیبی ارائه می‌شود که با فرهنگ آن کشور عجین باشد. در ایران نیز می‌توان برنامه آموزش المپیک را به‌عنوان یک برنامه فرهنگی در ورزش یا قسمتی از آن اجرا کرد که البته دومی به‌شرط آن است که برنامه فرهنگی منسجمی در کشور در حال اجرا باشد. در ایران نبود یک برنامه فرهنگی کلان و یکپارچه در ورزش، امکان ورود آموزش المپیک را در برنامه فرهنگی بسیار سخت می‌کند. براساس یافته‌های جدول ۳، در عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز مفاهیمی به‌دست آمد که به‌صورت عمومی می‌تواند تأثیر مثبت یا منفی بر روی برنامه‌های ورزشی از جمله برنامه آموزش المپیک داشته باشد. همچنین «جمعیت جوان» یکی از شرایط عمومی ایران است که نه‌تنها در بسیاری از برنامه‌های آموزشی، بلکه از نظر خبرگان در برنامه آموزش المپیک نیز نوعی قوت محسوب می‌شود. «نگرش قالبی به ورزش» در جامعه ایران که اشاره به نگاه و توجه تک‌بعدی به ورزش قهرمانی دارد که می‌تواند و ورزش همگانی و آموزشی را تحت‌الشعاع قرار دهد. «فرهنگ اسلامی» از دیگر عوامل عمومی است که در ایران می‌تواند بر روی برنامه آموزش المپیک تأثیرگذار باشد. به‌دلیل جاری و ساری بودن فرهنگ اسلامی در سازمان‌ها و قسمت‌های مختلف جامعه، وجود هماهنگی و هم‌جهتی بین برنامه‌های اجرایی و مکتب اسلامی، امری بدیهی است. فرهنگ المپیزم و آموزش المپیک شاید در ابتدا به‌سبب ادبیات غربی خود، مفهومی مغایر یا حداقل غیر هم‌جهت با آرمان‌های اسلامی به‌نظر می‌رسد، اما اگر در بطن آن وارد شویم، می‌توان ارزش‌های تعلیم و تربیتی عظیمی در آن

یافت که نه‌تنها با ارزش‌های تربیتی اسلام مخالفت ندارد، بلکه در دین مبین اسلام تأکید زیادی بر برخی از این ارزش‌ها شده است. در مجموع می‌توان گفت که المپیزم و آموزش المپیک به‌هیچ‌وجه مفهوم ضد دین نیستند و شاید ادبیات و نحوه اجرای آن در کشورهای غربی این شبهه ضد اسلام بودن آن را تداعی می‌کند و موجب مقاومت‌هایی در اجرای این برنامه می‌شود. در ادامه، «تمدن غنی و فرهنگ پهلوانی» نیز به‌عنوان یکی از مفاهیم مقوله فرهنگی و اجتماعی جزء شرایط مداخله‌گر و تأثیرگذار بر روی آموزش المپیک است. تاریخ ایران‌زمین تاریخ پهلوانی و آیین آن خردورزی، فتوت، راستی و مردم‌داری است. شعار پهلوانان در گستره فرهنگی ایران‌زمین کمک و یاری به مردم و کوشندگی در ساختن دنیایی بهتر بوده است که همانا ارزش‌های مکتب تربیتی ورزشی المپیزم نیز بر آنها تأکید دارد. «رسانه‌ها» نیز از جمله مفاهیمی بود که در یافته‌های این پژوهش، در قالب شرایط مداخله‌گر به‌دست آمد. این واقعیت است که رسانه‌های گروهی در آموزش المپیک نقش خیلی مهمی بازی می‌کنند، اما از سوی دیگر رسانه‌های گروهی برای گمراه کردن عموم و جهت دادن به توجه مردم به ورزش حرفه‌ای در المپیک نیز تلاش می‌کنند و در برخی موارد جنبه‌های اخلاقی المپیزم مورد توجه آنان نیست. این مشکل با تجاری شدن رسانه‌های گروهی در سال‌های اخیر چشمگیرتر شده است. تاواریس و کینینگ‌جویک (۲۰۱۲)، پری (۲۰۰۶) و بیندر (۲۰۱۲) از جمله تحقیقاتی بودند که یافته‌های همسو با این یافته پژوهش به‌دست آوردند (۱۲، ۲۳، ۲۶).

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، راهبردهای آموزش المپیک در ایران در قالب شش مفهوم کلی بیان شده است. اولین مفهوم کلی به نام آموزشی و پژوهشی آورده شده است. در این بخش بیندر (۲۰۰۷)،

آموزش المپیک دارد. «آموزش از طریق ورزش» مهم‌ترین هدف آموزش المپیک است که تا حد زیادی در درس تربیت بدنی قابل دسترسی است. «ادغام آموزش المپیک با دروس دیگر» نیز جزء یافته این پژوهش بود. یافته‌های پژوهش مجسکین^۱ و همکاران (۲۰۱۱)، وانگ و ماسوموتو (۲۰۰۸)، بیندر (۲۰۰۷) و جورجیادیس (۲۰۰۹) نیز همسو با این پژوهش از این امر حکایت دارد که می‌توان برخی از مفاهیم و سرفصل‌های آموزش المپیک را با دروسی مانند هنر، ادبیات و تاریخ ادغام کرد (۲۴،۲۲،۹،۷). همچنین برگزاری دوره‌های آموزشی برای معلمان تربیت بدنی عاملی بود که در تحقیقات نول (۲۰۰۸) و پری (۲۰۰۶) به آن اشاره شده است (۱۲،۱۷). برگزاری این دوره‌ها با هماهنگی معاونت تربیت بدنی آموزش و پرورش و اداره کل تربیت بدنی وزارت علوم در سطوح استان‌ها، شهرستان‌ها و مناطق می‌تواند برگزار شود.

در قسمت ورزش قهرمانی راهبردهای ارائه شده شامل ورزشکاران المپیک، اردوهای تدارکاتی، رویدادهای ورزشی، فدراسیون‌های ورزشی و جشن و جوایز برای قهرمانان منتخب است. آموزش ورزشکاران المپیک از راهبردهای بخش ورزشی و قهرمانی است. ورزشکاران المپیک از یک سو نماینده جوامع و ملت‌ها در کارزار جهانی المپیک هستند و از طرفی الگویی بزرگ برای جوانان و نوجوانان در داخل کشورند. بنابراین شاید بتوان از مهم‌ترین گروه‌های مورد هدف آموزش المپیک در ورزش را این افراد دانست. در این زمینه می‌توان جلسات و بحث‌های متعددی هنگام تمرین تیم‌ها برگزار کرد. در صورتی که این ورزشکاران، مبانی بازی جوانمردانه و اخلاق ورزشی را فرا گرفته باشند، به منابع خوبی برای

جورجیادیس (۲۰۰۹)، جیم پری (۲۰۰۶)، گوانگ (۲۰۰۸) و وانگ و ماسوموتو (۲۰۰۹) نتایجی همسو با این پژوهش داشتند (۲۵،۲۴،۱۲،۱۲،۷) که به خصوص ایجاد واحد درسی، حمایت از پژوهش‌ها و درس تربیت بدنی، مهم‌ترین مفاهیم این بخش بود. ایجاد واحد درسی آموزش المپیک در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته تربیت بدنی به خصوص گرایش مدیریت ورزشی در بالا بردن درک دانشجویان این رشته در مورد المپیک و ارزش‌های رایج آن، بسیار مؤثر خواهد بود. همچنین آکادمی می‌تواند از ردیف بودجه برای حمایت از طرح‌های تحقیقاتی در مورد جنبش المپیک بهره برد تا با این کار علاوه بر تشویق و تحریک به انجام پژوهش در این زمینه، هزینه بالای تحقیقات از دوش کمیته ملی المپیک برداشته شود. در همکاری با پژوهشکده‌ها، پژوهشکده‌های هدف برای آموزش المپیک را می‌توان پژوهشکده تربیت بدنی و هنر دانست که ارتباط نزدیکی با ورزش و هنر دارند، هرچند پژوهشکده‌های دیگر نیز می‌توانند در حیطه خود، مسائل المپیک را که جذابیت بالایی دارند، وارد حوزه تحقیقاتی خود کنند. ایجاد رشته تاریخ و فلسفه ورزش با تربیت افرادی در زمینه اصول، فلسفه، فرهنگ و تاریخ ورزش ایران و جهان می‌تواند گام مؤثری در تعلیم و گسترش این اصول و فرهنگ در ورزش شود که یکی از اهداف مهم جنبش المپیک است. «درس تربیت بدنی (ورزش) مدارس» نیز از راهبردهای آموزشی و پرورشی در زمینه آموزش المپیک هستند. پری (۲۰۰۶)، بیندر (۲۰۰۰، ۲۰۱۲، ۲۰۰۷) و جورجیادیس (۲۰۰۹) همسو با این یافته پژوهش اعتقاد دارند که بهترین درس برای ورود آموزش المپیک در مدارس، درس تربیت بدنی است (۱۲،۲۱،۲۲،۲۳،۲۴). اهداف درس تربیت بدنی در ایران در سه حیطه شناختی، عاطفی و حرکتی ارائه شده است که بسیاری از این اهداف، همپوشانی بالایی با اهداف

این راهبرد با کمترین مقاومت در نظام آموزشی همراه خواهد بود، زیرا این را به‌نوعی اشاعه فرهنگ ایرانی و اسلامی دانسته و کمتر از المپیزم یا آموزش المپیک در معرض نگرش‌های اشتباه و مقاومت‌های اعتقادی قرار می‌گیرد. تاواریس و کینیجینیک (۲۰۱۲) نیز توسعه ورزش ملی این کشور را به‌عنوان یک راهبرد آموزشی برای برنامه آموزش المپیک ریودوژانیرو ۲۰۱۶ می‌دانند (۲۶).

مقوله مدیریتی و حقوقی در یافته‌های مربوط به راهبردهای آموزش المپیک به‌عنوان یک مقوله کلی شناخته شده است. همسو با برخی یافته‌های این بخش، جورجیادیس (۲۰۰۹) بودجه را از مهم‌ترین عوامل در اجرای برنامه آموزش المپیک می‌داند (۲۴). برنامه‌های آموزش المپیک چون جزء سیاست‌های کمیته ملی المپیک است، قاعداً اولین منبع مالی برای تأمین بودجه آن نیز شناخته می‌شود. تعیین سیاست کلان و برنامه استراتژیک، از دیگر یافته‌های مربوط به مدیریت کلان آموزش المپیک است. بی‌شک آموزش و اشاعه جنبش المپیک در جامعه، قسمتی از سیاست کلان کمیته ملی المپیک و تنها سیاست کلان آکادمی ملی المپیک است یا به بیان بهتر، باید باشد. کمیته ملی المپیک باید این سیاست‌ها را به کمک سازمان‌ها و نهادهایی مانند آموزش و پرورش و وزارت علوم، مشخص کند. توسعه منابع انسانی نیز یکی از مقوله‌ها در راهبرد مدیریتی آموزش المپیک است. شخصیت، تجربه و علم، سه متغیری بود که در توسعه منابع انسانی، مصاحبه‌شدگان بر روی آن تأکید داشتند. تغییر و اصلاح ساختار آکادمی و همچنین تعهد به اساسنامه آکادمی المپیک نیز از دیگر راهبردهای مدیریتی می‌تواند باشد. با توجه به اینکه فلسفه وجودی آکادمی‌های ملی المپیک، آموزش المپیک و اشاعه جنبش المپیک در بین افراد جامعه است، پس نباید دور از انتظار باشد که در اساسنامه این نهاد آموزش المپیک جزء

آموزش المپیک تبدیل می‌شوند. همچنین با توجه به رابطه نزدیکی که کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌های ورزشی دارند، قرار دادن برنامه آموزش المپیک در برنامه‌های آموزشی فدراسیون می‌تواند از عملی‌ترین روش‌های ورود آموزش المپیک در ورزش قهرمانی باشد. باید توجه داشت بسیاری از ورزشکارانی که به مدال دست نمی‌یابند، از جامعه ورزشی طرد شده و بار سنگینی به آنها تحمیل می‌شود. یکی از مهم‌ترین اصول المپیک ورزش پاک و تلاش حداکثری است. کمیته ملی المپیک می‌تواند در قالب جشن‌ها و مراسم خاصی به تشویق و تشکر از ورزشکارانی بپردازد که روحیه ورزشکاری را در المپیک به نمایش گذاشته‌اند.

مقوله فرهنگی و بومی نیز یکی از مقوله‌های به‌دست‌آمده در راهبردهای آموزش المپیک بود. برگزاری رویدادهای فرهنگی ورزشی از راهبردهای مؤثر برای توسعه فرهنگ و تاریخ در مفهوم ورزش است. آکادمی ملی المپیک می‌تواند با همکاری سازمان میراث فرهنگی اقدام به تجدید خاطره مکان‌های ورزشی و مسابقات ورزشی در موزه‌های ایران باستان کند و فرهنگ ورزش در ایران باستان را به نمایش بگذارد. همچنین با توجه به عبارات غربی و لاتین در المپیزم، آموزش المپیک، ارزش‌ها و اصول آن شاید تحت‌الشعاع این مفاهیم قرار گیرند و با توجه به فرهنگ اسلامی در کشور ما چندان جای رشد پیدا نکنند. این در حالی است که مفهوم بسیاری از این عبارات در مفاهیم ملی ما نیز گنجانیده شده است که لازمه استفاده حداکثری از ادبیات بومی به‌جای ادبیات المپیزم را آسان می‌کند. با توجه به آموزه‌های ورزشی و تربیتی در فرهنگ غنی ایرانی و نیز با توجه به مأنوس بودن این آموزه‌ها برای مردم شاید بتوان گفت که یکی از بهترین گزینه‌ها برای توسعه ارزش‌های المپیک در جامعه، توسعه فرهنگ پهلوانی ایرانی است. بی‌شک به‌کار گرفتن

رسانه‌های گروهی ایران در ورزش شامل رادیو ورزش، شبکه ورزش در سیما و جراید ورزشی است. برگزاری نشست‌ها، مصاحبه با صاحب‌نظران و برنامه‌های آموزشی از عمده برنامه‌هایی است که می‌توان در این رسانه‌ها پیاده کرد. البته شاید شبکه‌ها، رادیوها و جراید دیگر را نیز بتوان جزء این برنامه قرار داد، چه بسا شبکه‌های دیگر تلویزیونی نیز فعالیت‌هایی در این زمینه داشته‌اند، اما با توجه به نگرشی که در رسانه‌های ورزشی وجود دارد، اجرای این برنامه در این رسانه‌ها به نظر مناسب‌تر است. به‌طور کلی نتایج این پژوهش نشان داد که می‌توان آموزش المپیک را با توجه به شرایط مداخله‌گر و زمینه‌ای حاصل از این پژوهش، از طریق راهبردهای آموزشی و پژوهشی، فرهنگی و بومی، ورزش قهرمانی، تبلیغات و اطلاع‌رسانی، و همچنین مدیریتی در ایران توسعه داد.

شاخص‌های مهم است. ایجاد آکادمی‌های منطقه‌ای یا استانی نیز یکی از یافته‌ها در مورد راهبردهای مدیریتی آموزش المپیک در ایران بود. هسندرا و همکاران (۲۰۰۷) نیز با یافته‌هایی همسو با این پژوهش اشاره می‌کنند که ایجاد آکادمی‌های ایالتی، کمک خوبی به گسترش برنامه آموزش المپیک در کل کانادا کرده است (۸). در ادامه، بسته‌های ترویجی، برقراری کارگروه‌های تخصصی و نشست‌های ملی از مؤثرترین روش‌ها برای اشاعه المپیزم در بین اقشار مختلف جامعه است. مجسکین و همکاران (۲۰۱۱) و جورجیادیس (۲۰۰۹) از جمله تحقیقات همسو با این بخش بودند (۹، ۲۴).

مقوله تبلیغات و اطلاع‌رسانی نیز یکی از راهبردهای آموزش المپیک بود که تحقیقات وانگ و ماسوموتو (۲۰۰۸)، مونین (۲۰۱۲) و بیندر (۲۰۰۷) به این مسئله اشاره دارند (۷، ۲۷، ۲۲). در حال حاضر، مهم‌ترین

منابع و مأخذ

1. Pawlucki A. Olympic education as an intergenerational relation of the third degree. *Physical Culture and Sport. Studies and Research*. 2009 Dec 1;46(1):99-108
2. Ghafouri F, Mirzai B, Henry H and Hanover A. [The impact of Olympic education on the attitudes of university students across the country (in Persian)]. *The Quarterly Olympics, Sixteenth*. 2008; 41: 71-77.
3. Hai, R. Olympic Education Program in China and its post-Olympic implementation. 49th international session for young participants, 2009.
4. Corral CD, Pérez-Turpin JA, Vidal AM, Padorno CM, Patiño M, Martínez J, Molina AG. PRINCIPLES OF THE OLYMPIC MOVEMENT. *Journal of Human Sport & Exercise*. 2010 Jan 1; 5(1).
5. Sajjadi, N. [Meet the Olympic Movement (in Persian)]. Tehran: Publication of the National Olympic Committee, 2006.
6. International Olympic Committee (IOC). Olympic Charter. Lausanne: IOC, 2011.
7. Wang Y, Masumoto N. Olympic education at model schools for the 2008 Beijing Olympic Games. *International Journal of Sport and Health Science*. 2009 Dec 30;7:31-41.
8. Hassandra M, Goudas M, Hatzigeorgiadis A, Theodorakis Y. A fair play intervention program in school Olympic education. *European Journal of Psychology of Education*. 2007 Jun 1;22(2):99.

9. Majauskienė D, Šukys S, Lisinskienė A. Spread of knowledge on olympism in school applying the integrated programme of olympic education. LKKA. 2011:42.
10. Constantinides, A. Olympic Education in Greek school. 14th international seminar Olympic study for postgraduate student , 2006.
11. Schnitzer M, Peters M, Scheiber S, Pocecco E. Perception of the culture and education programme of the Youth Olympic Games by the participating athletes: A case study for Innsbruck 2012. The International Journal of the History of Sport. 2014 Jun 13;31(9):1178-93.
12. Parry J. Sport and Olympism: Universals and multiculturalism. Journal of the Philosophy of Sport. 2006 Oct 1;33(2):188-204.
13. Grammatikopoulos V, Papacharisis V, Koustelios A, Tsigilis N, Theodorakis Y. Evaluation of the training program for Greek Olympic education. International journal of educational management. 2004 Jan 1;18(1):66-73.
14. Gessman, R. Olympic education, fair play and their practice in schools. The Official Publication of the European Fair Play Movement Academic Supplement, 2010; 8: 2.
15. Chatziefstathiou D. Olympic education and beyond: Olympism and value legacies from the Olympic and Paralympic Games. Educational Review. 2012 Aug 1;64(3):385-400.
16. Lenskyj HJ. Olympic education and Olympism: Still colonizing children's minds. Educational Review. 2012 Aug 1;64(3):265-74.
17. Naul R. Olympic pedagogy as a theory of development of ethical and humanistic values in education. Sporto mokslas. 2008;3(53):9-15.
18. Barker D, Barker-Ruchti N, Rynne SB, Lee J. Olympism as education: Analysing the learning experiences of elite athletes. Educational Review. 2012 Aug 1;64(3):369-84.
19. Pringle R. Debunking Olympic sized myths: government investment in Olympism in the context of terror and the risk society. Educational Review. 2012 Aug 1;64(3):303-16.
20. Hamidi, M; Khosrowmanish, R. [Designing an Olympic Model in Schools. Abstract of the second international Olympiad and Paralympic Olympiad (in Persian)]. Tehran: National Olympic Committee Publications, 2007.
21. Binder, D. Be a champion in life: An international teacher's resource manual. Athens: Foundation for Olympic and Sport Education, 2000.
22. Binder, D. Teaching values: An Olympic education toolkit. Lausanne: International Olympic Committee. 2007.
23. Binder DL. Olympic values education: evolution of pedagogy. Educational Review. 2012 Aug 1;64(3):275-302.
24. Georgiadis K. The implementation of Olympic Education Programs at world level. Procedia-Social and Behavioral Sciences. 2010 Jan 1;2(5):6711-8.
25. Guang, P. D. Olympic Education in China. Journal of Capital Institute of Physical Education. 2008; 20(3): 2-8.
26. Knijnik J, Tavares O. Educating Copacabana: a critical analysis of the "Second Half", an Olympic education program of Rio 2016. Educational Review. 2012 Aug 1;64(3):353-68.

-
27. Monnin E. The Olympic Movement's strategy for the integration of the concept of Olympic education into the education system: the French example. *Educational review*. 2012 Aug 1;64(3):333-51.
 28. Pitney WA, Parker J. *Qualitative research in physical activity and the health professions*. Champaign, IL: Human Kinetics; 2009.
 29. Strauss, A and Corbin, J. *Principles and methodology of qualitative research, basic theory and practices*. Translat by Mohammadi B, Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies, 2006.
 30. Alwani, M; Adel Azar D H. [Methodology of Qualitative Research in Management: A Comprehensive Approach (in persian)]. Tehran: Eshraghi Publishing House, 2011.